بازتاب

توضیح نظام‌پزشکی درباره گزارش «شرق»:

امکان دلالی و خریدوفروش عضو در کشور وجود ندارد

● نظام پزشکی پیرو گزارش «دلالی اعضای بدن» که حدودا دو هفته قبل در همین صفحه به چاپ رسید، توضیحاتی را به دفتر روزنامه ارسال کرده که عینا در پی می‌آید: پیوند اعضا یکی از افتخارات بی‌نظیر جامعه پزشکی کشور است که در طی دهه‌های گذشته با استفاده از توان علمی پزشکان متبحر و فرهیخته این سرزمین و استفاده از فناوری نوین و پیشرفته روز با رشد قابل ملاحظه همراه بوده است به طوری که تاکنون بیش از ۳۰هزار پیوند کلیه در ۲۰سال گذشته در کشور انجام شده است. آمار پیوند کبد که یکی از سخت‌ترین پیوندهاست بیش از دوهزار پیوند است. بیش از ۴۷هزار پیوند قرنیه، چهارهزارو۶۰۰ پیوند مغز استخوان و ۱۱۰ مورد پانکراس و حدود ۱۰۰ مورد پیوند ریه در کشور انجام گرفته است. این نمونه‌ای از زحمات فوق‌العاده تیم‌های پزشکی پیوند در کشور است که در هر زمان از شبانه‌روز با رضایت کامل فرد دهنده و یا خانواده بیمار مرگ مغزی و آزمایشات دقیق روی گیرنده صورت می‌پذیرد. بنابراین به طور قطع می‌توان گفت امکان دلالی و خریدوفروش عضو در کشور وجود ندارد و با توجه به آنکه تمامی پیوندها در بیمارستان‌های دولتی انجام می‌شود تمامی هزینه‌های پیوند رایگان است. پیوند عضو با توجه به شرایط فیزیولوژیک و بیولوژیک بیمار و عضو پیوندی، آزمایشات متعدد، سرعت عمل و نگهداری ویژه عضو پیوندی و تطابق گروه خونی در شرایط بسیار خاص انجام می‌شود که هرگز توان این امر برای دلال یا خریدوفروش‌کننده عضو متصور نیست.

شوربختانه در این گزارش به گونه‌ای غیرقابل‌باور به همکاری پزشکان خدوم این سرزمین با دلال یادشده اشاره و خوشبختانه به صراحت اعلام شده است که بابت این امر پولی دریافت نمی‌کنند.

لازم است تاکید شود که با توجه به مطالب پیش‌گفته‌شده امکان همکاری هیچ‌یک از اعضای جامعه‌پزشکی با توجه به شرایط خاص پیوند با دلال امکان‌پذیر نیست و چنین سخنانی گزافه‌گویی و تخریب ارزش اهدای عضو و زحمات بی‌نظیر تیم پزشکی و خانواده‌های ایثارگری است که با بزرگواری جان چندین نفر را حیات می‌بخشند. بنابراین از مردم عزیز کشورمان تقاضا داریم ضمن بی‌اعتنایی به چنین اظهارات سخیفانه، همواره در راه راستین و خداپسندانه اهدای عضو همت گمارند که اجر و مزد آن نزد خدای باریتعالی است و مصداق آیه شریفه «و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعا» قرار گیرند. از اصحاب رسانه نیز مصرانه خواستاریم جهت جلوگیری از تشویش اذهان عمومی با کسب اطلاعات مستند و از مجاری صحیح، راه را بر چنین تصورات شوم و تخطئه‌کننده سد کنند و بیش از پیش در تشویق فرهنگ صحیح و انسانی اهدای عضو کوشا باشند.

شرق: ضمن تقدیر مجدد از انگیزه‌های انسان‌دوستانه اهداکنندگان اعضا و زحمات بی‌شایبه پزشکان فعال در حوزه پیوند اعضا، قضاوت درباره وجود یا عدم وجود پدیده مذموم دلالی اعضا یا خریدوفروش عضو را به افکار عمومی واگذار می‌کنیم.

خبر

افت ۷۶۹واحدی شاخص کل بورس

● **ایرنا:** شاخص بازار اول با ۴۹۴واحد کاهش به رقم ۶۶هزارو ۱۸۲واحد بالغ شد و شاخص بازار دوم با یک‌هزار و ۸۹۳واحد کاهش عدد ۱۵۸هزارو۷۳۲واحد را تجربه کرد. در پایان معاملات تالارهای بورس و اوراق بهادار شنبه ۳۰آذر، یک‌هزارو۴۳۸میلیون سهم به ارزش بیش از پنج‌هزارو۴۱۹میلیاردریال در ۱۳۷هزارو۳۷۹ دفعه مورد معامله قرار گرفت.

مراقب ترکش حباب بورس باشید

● **ایرنا:** معاون بازار شرکت بورس و اوراق بهادار نسبت به وجود حباب در برخی از تک‌سهام‌ها در بازار سرمایه هشدار داد و گفت: با وجودی که برخی از طرح‌ها در سال‌های بعد توسط شرکت‌ها به بهره‌برداری می‌رسند، اما سهام این شرکت‌ها از هم‌اکنون با رشدهای زیادی مواجه شده که حبابی است.

معاون بودجه:

بدهی دولت به پیمانکاران کمتر از ۹هزار میلیاردتومان است

● **ایسنا:** معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی میزان واقعی بدهی دولت به پیمانکاران را کمتر از ۹هزارمیلیاردتومان اعلام کرده. فرهاد دژپسند رقم بدهی دولت به این بخش را بر اساس بررسی‌ها و اعلام دستگاه‌های اجرایی همچنین تایید ذی‌حساب این دستگاه‌ها کمتر از ۹هزارمیلیاردتومان عنوان کرد. معاونت برنامه‌ریزی رییس‌جمهور با اشاره به اینکه پیش از این اخبار و اظهارات متناقضی در مورد میزان بدهی دولت به پیمانکاران در رسانه‌های مختلف منتشر شده، تاکید کرد سایر ارقام اعلام‌شده قابل استناد نیستند. مشاور اقتصادی رییس‌جمهور - چندی پیش در یک برنامه تلویزیونی یکی از مسایل دولت را طلب بزرگ پیمانکاران از آن عنوان کرده و گفته بود در حال حاضر سازمان برنامه در حال محاسبه دقیق بدهی‌های دولت به پیمانکاران است تا بتواند در بودجه آن را لحاظ کند.

بررسی احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در گفت‌وگو با شریف‌زادگان:

برنامه‌ریزی‌های «جامع» ناکارآمد است

شرق: انحلال سازمان برنامه‌وبودجه در دولت نهم یکی از چالش‌برانگیزترین مسایل اقتصادی، اجتماعی و مدیریت عالی دولت بوده است، به‌طوری که بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور در هشت‌سال گذشته به فقدان این سازمان نسبت داده می‌شود. با تصویب کلیات تاسیس مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در مجلس شورای اسلامی، مصاحبه زیر با محمدحسین شریف‌زادگان معاون اسبق سازمان برنامه‌وبودجه و وزیر رفاه و تامین‌اجتماعی دولت اصلاحات که سال‌ها در زمینه برنامه‌ریزی تجربه و تخصص داشته و نیز در همین حوزه‌ها تدریس می‌کند، پیرامون عملکردهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و نقش آن در توسعه کشور، به گفت‌وگو نشستیم:

عکس: میلاد پیاپی، شرق

تشکیل و کارکرد دستگاه برنامه‌ریزی در ایران چه اهمیت و جایگاهی دارد؟

ایران بیش از ۶۰سال سابقه برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای و شهری دارد و در برنامه‌ریزی ملی مشخصا تا قبل از انقلاب هشت برنامه نوشته و پنج برنامه آن را به اجرا گذاشته است. اولین برنامه هفت‌ساله توسط مهندس علی زاهدی در زمان رضاشاه نوشته شد و از سال ۱۳۳۷ تا ۵۷ نیز هفت‌برنامه نوشته شد، بعد از انقلاب نیز تا تدوین برنامه رسمی اول توسعه در سال۶۸ سه برنامه نوشته شد اولین برنامه توسعه اقتصادی- اجتماعی جمهوری‌اسلامی که در مجلس به تصویب نرسید، برنامه شرایط نوین و برنامه شرایط اضطراری تدوین شد که برنامه شرایط نوین تا حدی به اجرا درآمد و از ۱۳۶۹ تابه‌حال نیز پنج برنامه تدوین و در حال اجراست.

هیات عالی برنامه در زمان رضاشاه شکل گرفت و از فرهیختگان آن زمان تشکیل شد. ولی روال کار آن به مذاق رضاشاه که با برنامه‌ریزی سازگار نبود خوش نیامد و به جز چند جلسه اول در آن شرکت نکرد و عملا به‌کار نیامد. این مساله بسیار مهم بود زیرا رضاشاه می‌خواست براساس توسعه آمرانه از بالا به پایین و اقتدار فردی خود عمل کند. بنابراین وجود هیات برنامه‌ریزی که می‌خواست همه کارها در ارتباط با هم و بر اساس برنامه باشد را با عملیات ضربتی خودش مغایر می‌دانست. بعد از جنگ جهانی دوم و سرازیرشدن کمک‌های اصل۴ به ایران هم آمریکایی‌ها و هم محمدرضاشاه خواهان توسعه آمرانه ولی بر اساس یک برنامه خاص و کنترل‌شده که هم از سوی شاه و هم از سوی آمریکایی‌ها تحت کنترل و نظارت باشد، بودند بنابراین سازمان برنامه‌وبودجه در زمان ابتهاج طوری به سامان آمد که بتواند رویکرد توسعه آمرانه از بالا به پایین، ولی نهادینه‌شده و برنامه‌ای را به ثمر برساند. به همین دلیل سازمان برنامه‌وبودجه مستقل از تشکیلات دولت عمل می‌کرد و پروژه‌ها را خودش برنامه‌ریزی، اجرا و سپس اداره می‌کرد. این کار با تشکیل دولت‌های نیمه‌مدرن در ایران مورد انتقاد روسای دولت و وزیران قرار می‌گرفت تا اینکه سازمان برنامه‌وبودجه در اختیار دولت درآمد ولی همواره شاه روی آن نظارت و کنترل داشت و شورای اقتصاد ماهی یک‌بار در دفتر شاه تشکیل می‌شد. این تغییر، رویکرد اصلی را تغییر نداد.

در بخش «بودجه» وضعیت چگونه است؟

سرنوشت بودجه نیز همانند سرنوشت برنامه بود. در زمان رضاشاه وزیران به خزانه کشور در وزارت دارایی حواله می‌دادند و تا حد معینی پول دریافت می‌کردند و هر گاه خزانه کسری می‌آورد به رضاشاه گزارش می‌دادند و مساله را حل‌وفصل می‌کردند. بعدا این کار به انضباط مالی و مدیریت مالی در آمد که میلیسپو، مدیر کل مالی آمریکایی در ایران نقش مهمی در آن داشت. در دوران محمدرضاشاه بودجه سالانه به تصویب مجلس می‌رسید و با وجود برنامه‌های هفت‌ساله و پنج‌ساله سعی می‌شد بودجه‌ها از برنامه تبعیت کند. شاید از آن تاریخ به بعد مهم‌ترین برنامه عملیاتی کشور ایران، بودجه‌ها بود که به همان اندازه‌ای که از برنامه‌ها تبعیت می‌کردند، انسجام برنامه‌ای داشت. تاثیرگذارترین اسنادی که در توسعه اقتصادی، اجتماعی ایران تاثیر داشته است همین بودجه‌ها به‌عنوان برنامه‌های یک‌ساله عملیاتی بوده که توانسته چهره توسعه‌ای سرزمین ایران را دگرگون کند.

سازمان برنامه‌وبودجه بین سال‌های بعد از انقلاب تا سال‌های ۱۳۷۷ که با همین نام کار می‌کرد، عمدتا با گرایش بودجه و تسلط امر بودجه کار می‌کرد. تشکیلات و سازماندهی این سازمان که بر اساس قانون برنامه کار می‌کرد، توانسته بود به‌عنوان دستگاهی مستقل و در اختیار رییس دولت، امر تخصیص منابع، نظارت، مطالعات و امور نظام فنی کشور را به انجام برساند. در زمان جنگ که منابع بسیار اندک بود این سازمان توانست با تخصیص بهینه منابع به اداره بهتر کشور کمک شایانی کند. مثلا زمانی که دولت شش، هفت‌میلیارددلار درآمد ارزی داشت نصف آن به امور نظامی جنگ تخصیص می‌یافت و نصف آن به بخش‌های اقتصادی و صنعتی و اجتماعی اختصاص می‌یافت و در آن زمان طرح‌های بزرگ انقلاب نیز از همین اعتبارات ارزی و ریالی محدود شروع شدند که پایه صنایع و طرح‌های زیربنایی آینده کشور را رقم زدند.

رابطه دولت با این سازمان‌ها چگونه بوده است و چرا بعضی وقت‌ها این رابطه دچار اختلال می‌شده است.

نقش سازمان برنامه در استقلال نظری و عملی در درون دولت تا آن حد بود که بعضی وقت‌ها با روسای دولت به چالش می‌رسیدند و با نظرات شخصی ایشان مخالفت می‌کردند که عملا نیز در تصحیح جریان توسعه کشور نقش مثبت و سازنده‌ای ایفا می‌کردند. سازمان برنامه‌وبودجه عملا همان رویکرد اقتدارگرانه خود را که قبل از انقلاب بود ادامه داد، اگرچه اصلاحاتی در آن صورت پذیرفت ولی همان دیدگاه بر آن حاکم بود. از سال ۱۳۷۸ که با ادغام سازمان استخدام کشوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تشکیل شد، خطایی در ماموریت‌های اصلی این سازمان صورت پذیرفت و سازمان استخدام کشوری که از بدنه علمی و کارشناسی مناسبی برخوردار نبود و بوروکراسی اداره ناکارآمد دولت را نمایندگی می‌کرد به این سازمان ملحق شد و بوروکراسی، مراجعات زیاده از حد و بدنه کارشناسی ناکارآمد و مشغولیت مدیریتی خارج از برنامه‌ریزی را به این سازمان تحمیل کرد و عملا به ناکارآمدی این سازمان افزود.

بنابراین وقتی می‌خواهیم در مورد تجدید ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی صحبت کنیم با این امر مواجه می‌شویم که نظریه توسعه اقتصادی، بر چه اساسی استوار است آیا می‌خواهیم اقتصادی دولتی داشته باشیم، اقتصاد سوسیالیستی، اقتصادی برای اساس بازار آزاد یا شکل دیگری از رهیافت اقتصادی را مدنظر داریم و متعاقب آن نظریه ما در مورد نهاد دولت چیست و ترکیب دولت و اقتصاد به چه سمتی حرکت دارد. آنچه سازمان برنامه‌وبودجه و قانون برنامه را نمایندگی می‌کرد توسعه آمرانه و اقتصاد نیمه‌متمرکز زمان شاه بود. اکنون به چه سمتی حرکت می‌کنیم تا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به‌عنوان ابزار پیشبرد آن برای اهداف این رهیافت خود را تجهیز کند.

در مورد دیدگاه‌های نظری و اینکه چه نوع برنامه‌ریزی‌ای می‌تواند برای شرایط ایران مناسب باشد چه‌می‌گویید.

مساله بعدی در مورد خود امر برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی است که باید منطبق با نظریات و تئوری‌های توسعه و مدیریت و اداره دولت، به آن نگریست.

خاستگاه برنامه‌ریزی در قرن بیستم به‌دنبال برنامه‌ریزی مرکزی در شوروی و کشورهای سوسیالیستی بود که به‌خاطر ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی و تبلیغات وسیعی که روی آن صورت پذیرفت به نظام‌های برنامه‌ریزی اروپا نیز رسوخ کرد ولی کم‌کم در اثر رشد بخش خصوصی و روی کارآمدن دولت‌های محافظه‌کار رنگ باخت، متناظر آن نیز نظریه‌های برنامه‌ریزی اقتصاد ملی، شهری و منطقه‌ای نیز روند اصلاحی خود، به‌سوی مداخله کمتر در امور و وانهادن آن به بنگاه‌های اقتصادی و بسنده‌کردن دولت‌ها به سیاستگذاری‌های بسیار کلان اقتصادی و مالی را طی کردند. در این زمینه هایک در اتریش اساسا برنامه‌ریزی را امری مضر برای کارآمدی اقتصادی می‌دانست و تین برگن در هلند و فرانسه برنامه‌ریزی اقتصادی را کاری مفید برای ساماندهی اقتصادی عنوان می‌کرد. کم‌کم امر برنامه‌ریزی به برنامه‌های خاص در موضوعات کلان اقتصادی تبدیل شد و هم‌اکنون هیچ کشور اروپایی و آمریکا برنامه ملی به مفهومی که در ایران رایج است ندارند بلکه سیاست‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی را برای هدایت و راهبرد کلان اقتصاد در کمک به کارکرد بهتر بازار را تدوین و اجرا می‌کنند. اگر در ایران بخواهیم بخش خصوصی بهتر کار کند و نظام اقتصاد بازیگرانی جدی غیر از دولت داشته باشد باید برنامه‌ها نیز به همین تناسب نقش هدایت و نهادسازی خود را به‌جای مداخله تقویت کنند. مثلا در برنامه چهارم به عملکرد بخشداران در کاهش فقر اشاره شده است که آن را از یک برنامه راهبردی کلان‌نگر خارج می‌سازد. بنابراین از نظر تجارب نظری، اگر بخواهیم کارآمدی اقتصاد را بالا ببریم باید روزبه‌روز از مداخله دولت بکاهیم و نقش دولت را در ایجاد عملکرد بهتر بازارها، سیاستگذاری‌های نهادی، بالابردن کارآیی فضای کسب‌وکار و کم‌کردن هزینه‌های مبادله افزایش دهیم و در قبال آن برنامه‌ریزی را به لایه‌های پایین‌تر منطقه‌ای، شهری و محلی سوق دهیم و در آن به نقش مردم و ایجاد زمینه برای اشتراک مردم، نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد در امر اقتصاد و توسعه کمک کنیم و به این وسیله مشارکت واقعی مردم را در ایجاد نوآوری، تداوم و پایداری فراهم کنیم؛ کاری که امروزه در کشورهای موفق دنیا در حال انجام است. بنابراین تلقی ما از امر برنامه‌ریزی در بازسازی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بسیار مهم است و آن به مباحث فوق‌الذکر مربوط می‌شود.

به‌نظر بنده از منظر نظری، سازمان برنامه‌وبودجه و لفظ «برنامه» از لفظ «برنامه‌ریزی» پیشروتر و مترقی‌تر است زیرا برنامه‌ریزی نوعی دخالت دولت را بیشتر تداعی می‌کند تا برنامه، روند جهانی نیز از برنامه‌ریزی به برنامه است ولی متاسفانه در ایران، این روند را برعکس کردیم و از برنامه به برنامه‌ریزی رسیدیم.

نظرتان در مورد ساختار نیروی انسانی در سازمان مدیریت که بعضا نیز مورد انتقاد دستگاه‌های اجرایی بوده است، چیست؟

یکی دیگر از مسایل این سازمان، ترکیب ساختار نیروی انسانی آن است. این سازمان باید از باتجربه‌ترین کارشناسان دولت و بهترین تحصیلکردگان آن باشد. سپردن کارهای خطیر مثل گذشته سازمان به‌کارشناسان کم‌تجربه و با تحصیلات غیرمرتبط و اندک، خطای بزرگی است، در کنار آن مداخله بیش‌ازحد در امور وزارتخانه‌ها به بهانه‌های مختلف، سازمان را ناکارآمد و منزوی خواهد کرد. دخالت باید منطقی، معنادار و خردمندانه و مشارکتی باشد.

تمرکز زدایی توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چه میزان تاثیرگذار است؟

برنامه‌وبودجه امروزه به‌طور متمرکز غیرکارآمد است و نمی‌توان در مرکز برای مناطق تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کرد. تقویت نهادهای منطقه‌ای و محلی و سپردن امور به دست ایشان کارآمدی توسعه را افزایش می‌دهد. تقویت سازمان برنامه استان‌ها و شورای توسعه استان‌ها و تسری آن به شهرستان‌ها امر تمرکززدایی و کارآمدی را افزایش خواهد داد. بنابراین تاسیس دوباره سازمان برنامه استان‌ها ضروری است.

فرآیند برنامه‌ریزی در ایران و رابطه آن با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چگونه است؟

مساله مهم دیگر این است که برنامه‌ریزی یک فرآیند کلی دارد که شامل چهار بخش است؛ تدوین برنامه، اجرای برنامه، ارزیابی برنامه و تجدیدنظر برنامه. بدون درنظرگرفتن این چهار مرحله برنامه‌ریزی، تحقق‌پذیری برنامه انجام نمی‌شود. در ایران رسم است که با تدوین و تصویب و ابلاغ برنامه فکر می‌شود که برنامه‌ریزی اتفاق افتاده است در حالی که اصل کار اجرای برنامه است که محتاج توجه و برنامه‌ریزی خاص خود است. در اجراست که برنامه‌پذیری، موانع نهادی، موانع فکری، مدیریت، تخصیص منابع و آموزش و سرمایه اجتماعی اجراکنندگان و مشارکت مردم وجود دارد. به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران مرحله اجرای برنامه بسیار مهم‌تر از تدوین برنامه است. امروزه در همه مباحث نظری و تجربی کانون توجه به امر اجرای برنامه است. ولی در ایران توجهی به آن نمی‌شود. در قانون و اساسنامه و روش کار برنامه‌ریزی باید به این مهم توجه لازم صورت پذیرد. البته نظارت و بازنگری نیز اجزای مهمی هستند که مجال بازکردن آن نیست.

برنامه‌ریزی و رابطه آن با بودجه‌ریزی چگونه است؟

مساله مهم دیگر در تجدید حیات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بودجه‌ریزی است.

بودجه‌ریزی هم نقش مثبت و هم نقش منفی دارد. نقش مثبت و مهم آن بازتاب واقعی و برنامه‌ای پنج‌ساله، به‌عنوان برنامه‌های عملیاتی و تاثیرگذار یک‌ساله است که اگر بازتاب واقعی برنامه پنج‌ساله باشد می‌تواند اهداف برنامه را محقق کند. در ایران همواره عامل تضمین‌کننده اجرای برنامه، عامل بودجه است. نقش منفی آن مشغولیت زیاد، عامل بازدارنده سازمان از امر برنامه‌ریزی است، تجربه نشان داده است به اندازه‌ای که مسوولان سازمان به امر بودجه‌ریزی و امور آن مشغول شوند از امر برنامه غافل می‌شوند. تناسب ایجادکردن متعادل بین برنامه‌وبودجه هنر مدیریت این سازمان است.

در مجموع می‌توان گفت در احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- توجه به رویکرد توسعه اقتصادی مورد نظر در آینده جمهوری‌اسلامی؛

۲- توجه به رهیافت نظری ساخت دولت در تقسیم قدرت، تمرکززدایی؛

۳- عنایت به رویکرد تلفیقی توسعه و نهاد دولت؛

۴- تلقی از امر برنامه‌ریزی و فرآیندهای آن توسط مسوولان؛

۵- تناسب‌سازی بین بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی و نیفتادن در تله بودجه‌ریزی؛

۶- توجه به برنامه‌ریزی استراتژیک به‌جای گرایش وطنی ایرانیان به برنامه‌ریزی جامع؛

۷- نگاه سازمان به‌عنوان تنها جایگاه جمهوری‌اسلامی به رهیافت‌های کلان توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران؛

۸- استفاده از همه ظرفیت‌های علمی و تجربی کشور برای برپایی دوباره سازمان در ترازی پیشرفته و کارآمد. زیرا با تجارب گرانسنگی که از کارکرد این سازمان طی سال‌ها به‌دست‌آمده است بی‌تردید سازمان جدید نباید مثل سازمان قبلی باشد و باید پیشروتر و مدرن‌تر و کارآمدتر باشد.

خبر

پیش‌بینی درآمد ۳۳میلیارددلاری برای صادرات نفت

● **تسنیم:** در حالی گزارش دولت به مجلس از درآمد ۲۳میلیارددلاری صادرات نفت ایران در هفت‌ماهه امسال حکایت دارد که مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌بینی کرده است درآمد صادرات نفت خام ایران در سال‌جاری به ۳۳میلیارددلار برسد که ۳/۸میلیارد از رقم مصوب بودجه ۹۲ کمتر است. بر اساس این گزارش، در هفت‌ماهه امسال حدود ۲۰میلیارددلار از درآمدهای نفتی امسال و سال قبل هم به کشور بازگشته‌است.

عسگری‌آزاد:

به کارگیری بازنشستگان جز در موارد خاص ممنوع شد

● **ایرنا:** محمود عسگری‌آزاد افزود: در برنامه‌پنجم توسعه تصریح شده وزرا، استانداران، فرزندان شهدا و ایثارگران، معاونان رییس‌جمهور و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها از قاعده ممنوعیت به کارگیری مجدد بازنشستگان مستثنا هستند. وی گفت: با این حال در دولت یازدهم، به‌کارگیری مجدد این افراد نیز با مصوبه هیات‌وزیران انجام می‌شود.

دستور زنگنه برای جلوگیری از قطعی گاز

سهم میدان نفتی آغاجاری در بخاری‌ها می‌سوزد

● **تسنیم:** میدان نفتی آغاجاری که در ۹۰کیلومتری جنوب‌شرقی اهواز قرار دارد، یکی از میادین قدیمی نفت ایران است. این میدان نفتی که در سال ۱۳۱۵ کشف و در سال ۱۳۱۷ به بهره‌برداری رسیده، برای حفظ تولید نفت نیازمند اعمال روش‌های ازدیاد برداشت با تثبیت فشار مخزن است. برای این‌کار، تزریق گاز به مخزن آغاجاری در برنامه قرار گرفت و با بهره‌برداری از خط پنجم سراسری انتقال گاز، کار انتقال و تزریق گاز تولیدی فازهای ۶، ۷ و ۸ پارس‌جنوبی به این میدان نفتی در ابتدای سال ۸۸ آغاز شد. تزریق گاز به این مخزن نفتی که با روزانه ۱۰میلیون‌مترمکعب آغاز شده بود باید در زمان کوتاهی به ۵۶میلیون‌مترمکعب در روز که بیش از نیمی از ظرفیت نهایی تولید گاز از مخزن فازهای ۶، ۷ و ۸ پارس‌جنوبی است برسد اما در طول چهارسال گذشته هیچ‌گاه به این رقم نرسید.